

## درد و بیکارگران و دانشجویان فرانسه

جنبش پرامنه و عظیم کارگران و دانشجویان فرانسه بار دیگر نشان داد که نظامی مبتنی بر حفظ منافع اقلیتی استثمارگر و بیایال کردن حقوق و منافع اکثریت مردم زحمتکش ثبات و دوامی ندارد و نمیتواند داشته باشد. دولت فرانسه در مسالهای اخیر مانند شاه و دولت ایران پیوسته از ثبات وضع کشور لاف میزد مگر با بیثباتی و بی‌ولت‌های اروپائی عرضه میداشت جنبش کنونی نشان داد که ثبات ظاهری در این کشورها ولو آنکه چند سالی هم دوام یابد با آرامش پیش از توفان میاننده که امواج آن بیک بار ثبات ادعائی صاحبان زور و زور را درهم میریزد. چه بسا ثبات و آرامشی که در پشت آن توفانهای سهمگینی نهفته است!

جنبش که طی ماه مه از دانشجویان آغاز شد و بعد رنگ گلیه کارگران را در بر گرفت و تمام دستگاه تولیدی اقتصادی و آموزشی کشور را فلج کرد نشان عدم رضایت شدیدی کارگران، دهقانان و روشنفکران و جوانان دانشجویان است؛ نارضایتی از نظام اجتماعی که سرشت حاد و آینده آنان را در دست خود گرفته و آنها را به بیچ و صبره های دستگاه بهره کشی تبدیل کرده است؛ دستگاهی که خون و عرق توده های زحمتکش را بصورت شمشهای زنجیر میبندد و استثمارگر سرازیر میکند.

آنچه که مورد مطالبه دانشجویان و روشنفکران جوان است - و این پدیده اختصاصی فرانسه ندارد بلکه مربوط بگلیه کشورهای سومایه داری پیشرفته است - عبارتست از حقوق دموکراتیک و تغییر سیستم آموزش بورژوازی که آنها را در دانشگاه یا ایدئولوژی بورژوازی بار میآورد و پس از پایان تحصیل در خدمت بورژوازی و در خدمت سیستم بهره کشی میکارند. دانشجویان در این میان هیچگونه شوکی ندارند، از هیچگونه حقی برخوردار نیستند؟ آنها بدون اراده بدنهال سیستم آموزشی روانند که بورژوازی بآنها تحمیل کرده است. در یکی از اعلامیه های صادره در جریان مبارزات اخیر چنین گفته میشود: "مسئله اساسی برای همه روشن است دانشگاه یک دانشگاه طبقاتی است. نقش اجتماعی و ایدئولوژیکی آموزش دانشگاهی در این است که ایدئولوژی سلطنت را بدانشجویان انتقال دهد و آنها را در جامعه بورژوازی حل کند. ما این وضع را از اساس مردود میسازیم. . . . بحران دانشگاه، بحران سیستم اقتصادی و اجتماعی است."

همین سیستم اقتصادی و اجتماعی است که ملیونها کارگر با اشتغال کارخانه های با بهره با آن برخاسته اند. آنها هزار بار با جوارزه قهرمانانه خود اندکی سرنوشت خود را بهبود میبخشند ولی با گذشت زمان بورژوازی مواضعی را که از دست داده دوباره تسخیر میکند و امتیازاتی را که طبقه کارگر با جوارزه بدست آورده است از وی میستاند. همین تجربه مبارزات کارگری نشان میدهد که تنها بسا در هم ریختن این نظام اجتماعی و اقتصادی و استقرار نظام سوسیالیستی است که میتوان آینده تابناکی برای توده های زحمتکش فراهم ساخت.

"نیروهای حافظ نظم و امنیت" علیه تظاهرات دانشجویان در پاریس و در دیگر شهرهای فرانسه دست بکار شدند؛ خشونت و شقاوتی که این نیروها در سرکوب جنبش دانشجویان و روشنفکران از خود نشان دادند؛ فریاد اعتراض طبقات و قشرهای مختلف فرانسه را بلند کرد. بار دیگر ثابت شد که بورژوازی انحصاری در کشورهای امپریالیستی سرسختترین دشمن دموکراسی و ترقی است. بلندگویان بورژوازی در مطبوعات، در ارکانهای تبلیغاتی و در آزادی، از حق انسانها را استفاده از آزادی داد سخن میدهند ولی کافی است منافع و آزادی انصار کارگران اندکی

بقیه در صفحه ۳

## ۲۳ تیر و ۳۰ تیر

روز ۲۳ تیر ۱۳۳۰ هریسمن نماینده امپریالیسم آمریکا از طرف رئیس جمهور آن کشور بیان میامد تا قبول بند دوست رهازنانه امپریالیسم آمریکا و انگلستان را در مسئله نفت بدولت دگرصد و توصیه کند. مردم هشیار و مبارز تهران بنشانه مخالفت بسا مداخلات خام طلبانه امپریالیسم آمریکا که "میانجیگری" هرین منظر آن بود نمایش عظیمی ترتیب دادند که با سرنیزه و گلوله روبرو شد. صد هائفر زخمی و دهمسا نفر شهید شدند.

روز ۲۸ تیر ۱۳۳۱ (یکسال بعد) شاه با اشاره امپریالیسم امریکا و انگلستان فرمان عزل دکتر مصدق و انتصاب قوام را صادر کرد. انتشار و خبر این اقدام خیانت آمیزید رنگ در سراسر ایران امواج عظیم اعتراض خلق را برانگیخت. بویژه در تهران مردم به پشتیبانی از دولت ملی دکتر مصدق به خیابان ریخته مدتها نغرضی و ده هائفر کشته دادند و سرانجام جبهه ارتجاع و امپریالیسم را بحب نشینی واداشته قوام را از مسند نخست وزیری بیزر کشیدند و دگر صدق را با شور و شوق در مقام خود مستقر ساختند.

این دو حادثه در تاریخ اخیر ایران حاوی درسهای گرانقدری است.

حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰ - ۲۸ - ۳۰ تیر ۱۳۳۱ هر دو زائیده دسیسه مشترک امپریالیسم آمریکا و انگلستان بود. بمنظور درهم شکستن نهضت ضد امپریالیستی خلق ایران. با این تفاوت که در تیر ۱۳۳۰ سازش دو امپریالیسم مذکور هنوز مشخص نگردید. تضاد امپریالیسم آمریکا با دولت دگر صدق در هتوز حذقت نیافتند بود و دکتر مصدق بعلمت حسن نظری که با آمریکا داشت برخورد این دسیسه توجه نکرد و مبارزان هشیار ایران که ورود هرین را بعنوان مظہر بند و بست و امپریالیسم محکوم ساخته بخدا آن برخاسته بودند بخاک و خون کشیده شدند. ولی در تیر ۱۳۳۱ سازش دو امپریالیسم بمرحله قطعی رسیده، تضاد امپریالیسم آمریکا با دولت دگر صدق حدت یافته بود و این بار شخص دگر صدق مستقیماً و بی پرده از طرف کماشته امپریالیست ها - محمد رضا شاه - مورد حمله قرار میگرفت. در این هنگام مرکز قهرمانی که هتوز خاک و خون بیست و سوم تیرماه سال قبل را بر چهره داشتند مردانه برخاستند و دفاع از دولت ملی دکتر مصدق در برابر سرنیزه و گلوله و تانک و تیارو قوام سینه سپر کردند.

حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بعداً کودتای ۱۳۳۲ که آشکارا دست

امپریالیسم آمریکا را نشان میداد ثابت کرد که توده هائی که در روز ۲۳ تیر ۱۳۳۰ بمخالفت با ورود هرین و مذاکره با وی نمایش دادند روشن بینی سیاسی داشتند، حق بجانب آنها بود. و اگر عزم آنها که عزم مبارزه بیکجری با امپریالیسم اعم از امریکائی و انگلیسی و غیره بود همه جانبه و تا آخر عملی میشد توطئه تیر ماه ۱۳۳۱ و شکست مرداد ۱۳۳۲ پیش نیامده. چندی قبل از ورود هرین مبارزان دگر صدق در نامه تیرماه خود خطاب بر رئیس جمهور آمریکا چنین گفت: "یقین دارم که دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما آمریکا در موضوع مهم از معاهدات به آمال ملی ایران خود داری نخواهد کرد." ولی این نظریه مردم ایران نبود. مردم ایران مسابین دروغ بزرگ امپریالیستها که خود را مؤسس "دولتهای آزاد جهان" میخوانند هرگز باور نداشته و آنها با تقویت کرد هائده بقیه در صفحه ۲

## رویزیونیسم

رویزیونیسم عنوان رسالهائی است که از طرف سازمان توفان تهیه و برای انتشار آماده شده است. مطالب زیرین در رساله مذکور مورد تحلیل قرار میگیرد.

رویزیونیسم چیست؟ نظریه یکدگ شده - شرایط بروز رویزیونیسم - رویزیونیسم کهن و رویزیونیسم معاصر - اشکال بروز رویزیونیسم معاصر - هژمونی مسالمت آمیز - صلح و جنگ - گذار مسالمت آمیز - تضاد های دنیای معاصر - دولت و انقلاب - هدف های استراتژیک رویزیونیسم لزوم مبارزه با رویزیونیسم - رساله "رویزیونیسم" مربوط به یکی از مهمترین موضوعات ایدئولوژیک و سیاسی عصر ما است. نشان دهنده غلط مسقط یک سلسله از احزاب کمونیست بشفاک رویزیونیسم و روشن کننده مبارزه حاد مارکسیستها لنینیستها با رویزیونیستهاست. بنظر ما رساله مذکور میتواند نقش بسیار سودمندی در ارتقاء سطح ایدئولوژیک و سیاسی انقلابیون ایران بازی کند.

متأسفانه امکانات مالی سازمان توفان اجازه انتشار این رساله را نمیدهد. از این جهت ما از تکیه مارکسیستها - لنینیستها - از تکیه انقلابیون ایران دعوت میشیم که بمنظور انتشار رساله مذکور پس از سازمان توفان کمک مالی بفرستند. کمک مالی خود را بپست یا بوسیله بانک با ذکر نام حقیقی یا مستعار بآدرس توفان ارسال دارید. امید داریم که کمک علاقه مندان بتواند ما را در انتشار هر چه بوقع این رساله موفق گرداند.

## به حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه

خط تمایز بین مارکسیستها - لنینیستها از یک طرف و رویزیونیستها ها از طرف دیگر را بطور روشن و دقیق در نظر خلق فرانسه ترسیم کرد و این خود پیروزی بزرگی برای حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه است.

بمناسبت غیر قانونی شدن حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه این نامه از طرف سازمان توفان بیان حزب نوشته شده است.

کمپه مرکزی حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه  
رفقای عزیز  
خبر غیر قانونی شدن حزب پر افتخار شما در نزد مارکسیستها - لنینیستها ایران خصمی بی پایان نسبت با امپریالیسم فرانسه از جاری بی گران نسبت به رویزیونیستها حزب والدک روشه و احترامی عمیق نسبت بحزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه برانگیخت. این اقدام دولت انحصارهای فرانسه دلیل قاطعی بر ماهیت مارکسیستی - لنینیستی حزب شما و بر مبارزه بی گپرو امان وی در دفاع از منافع زحمتکش فرانسه و مصالح انقلاب سوسیالیستی است. بسیار جالب توجه است که دولت انحصارهای فرانسه در عین حال که حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه را غیر قانونی اعلام میدارد در بیانند رویزیونیست والدک روشه و بمنظور غریبکاریها و بند و بست های پارلمان امکان استفاده از رادیو و تلویزیون دولتی میدهد. با این طریق بورژوازی کمپه کار فرانسه با یک دست بنبرد با مارکسیست ها - لنینیست ها و با دست دیگر بنوازش رویزیونیستها مشغول است. اینک رویزیونیستها فرانسه که بهم زبانی با رویزیونیستهای شوروی، نهضت انقلابی قهرمانانه کارگران و دانشجویان فرامورد اتهام و دشنام قرار دادند و این طریق محملی برای عملیات وحشیانه پلپس فرانسه تراشیدند از پیروزی فرانسه در انتخابات آینده توقع دشمن دارند. حوادث بزرگ اخیر

خط تمایز بین مارکسیستها - لنینیستها از یک طرف و رویزیونیستها ها از طرف دیگر را بطور روشن و دقیق در نظر خلق فرانسه ترسیم کرد و این خود پیروزی بزرگی برای حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه است.

رفقای عزیز  
شما در گذر ده ماه سپتامبر ۱۹۶۷ وقوع حوادث عظیم را در کشور فرا با مهارت قابل تحسینی پیشبینی کردید و لزوم آمادگی برای مقابله با آن را تذکر کردید. شما در اعلامیه ۱۱ مه ۱۹۶۸ بدرستی در برابر زحمتکش فرانسه اعلام داشتید که "اگر توده های زحمتکش کشور ما و دروازه آنها طبقه کارگر بید رنگ برضد این سیاست برنخیزند اقداماتی که بمنظور فاشیستی کردن دستگاه رهبران میاشد ممکن است بر روی فاشیستی منجر گردد، رویی که قطعاً قبح تروریستی را برای همیشه برقرار سازد و حتی از قانونیت بورژوازی خویشتن باندیشد." اینک غیر قانونی شدن حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه پیشبینی شما را تأیید میکند.

ما یقین داریم که حزب شما بفعالیت پرافتخار خود در راه دفاع از منافع زحمتکش فرانسه و مصالح انقلاب سوسیالیستی باوقوش و تأییدی بیشتر ادامه خواهد داد.

زندگی بسا در حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه بسر افراشته شده بسا در چشم طغیان مارکسیسم و لنینیسم و اندیشه ماتئوسه دون.

برقراری دادرش سوسیالیسم پرولتاری.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

۱۴ ژوئن ۱۹۶۸

پیروزی و زباده مبارزه قهرمانانه خلق دلاور فلسطین

# شرایط زندگی توده‌ها

در جنبه واحد

یکی از سه اصلی که جبهه متحد ملی باید بر آن استوار باشد بهبود شرایط زندگی سیاسی و اقتصادی توده های مردم است طرح موقت خط مشی سازمان ملی وظایف مردم و فوری مارکسیست ها - لنینیت های ایران ( اهمیت های اصل را خاطر نشان ساخته است . مبنای هنوز در نظر برخی از رفقای ما درباره اهمیت این اصل سئوالاتی مطرح است . به عقیده برخی از آنان اهمیت این اصل آنقدر نیست که در کنار دواصل دیگر استقلال احزاب و سازمان های دموکراتیک و آزادی انتقاد قرار گیرد ) . ولی سازمان ما از آنجا که پیروزی و شکست انقلاب را در اجراء و عدم اجراء آن می بیند ، برای نخستین بار این اصل را صراحتاً در خط مشی خود مطرح می سازد .

پس از شکست امپریالیسم و سرنگونی ارتجاع داخلی و برقراری یک حکومت ملی و دموکراتیک شرایط بسیار مناسب برای بهبود وضع زندگی سیاسی و اقتصادی توده های مردم فراهم میشود ولی جبهه متحد ملی قبل از آن نیز یعنی در جریان مبارزات اجتماعی توده ای که بر این زمان طولانی لازم است ، هرگز نباید بهبود شرایط زندگی اقتصادی و سیاسی توده های وسیع را از نظر فرودگذارد . کوشش در این راه نه تنها بدان خاطر است که حقوقی که ملی قربانهای ضامی تسلط استثمار و ستم طبقاتی از توده های مردم ربوده شده است ، علی الاصول باید آنها باز سیرده شود بلکه همچنین باز بدان خاطر است که توده های وسیع مردم هر چه بیشتر علیه امپریالیسم و اقلیت حاکمه داخلی بسجج گردند ، دوست را از دشمن تشخیص دهند و راه رهایی نهایی خود را در شرکت در جنگ توده های طولانی ببینند .

اگر صدمح است که پشتیبانی همه جانبه توده های مردم از انقلاب شرط عمده پیروزی آن است ، حمایت و مسائل مادی تضمین این پشتیبانی را فراهم آوردن این امکان را برای همیشه منتفی ساخت که مانورهای موسمی ارتجاع و امپریالیسم توده های مردم را بفرز و آنان را علیه نیروهای انقلابی برانگیزد .

نیروهای انقلابی باید قبل از هر چیز بدان توده ها مردم پیروند با آنها پیوند انحصاری برقرار کنند برای مشکلات آنها راه گشائی کنند . با آنها آموزش سیاسی و فرهنگی دهند و برای بهبود شرایط مادی فرهنگی و بهداشتی وسایر نیازمندیهای آنان خصوصاً همت کارند .

برای جلب توده ها و بسجج آنها در یک جبهه توده ای باید توده های دهقانان را در مبارزه آنها با خاطر زمین رهبری نمود و از منافع کارگران بطور جدی دفاع کرد پس از بدست آوردن پیروزی های موقت و محدود باید از هیچ مشکلی نهراسید و بغوریت و بدون اتلاف وقت زمین را بین دهقانان تقسیم کرد . تا شور و شوق آنها برای کار و تولید کشاورزی بالا رود ، باید برای افزایش مزد و بهبود شرایط کار کارگران با اقدامات جدی مبارزه ورزید ، باید بمسائلی که مورد علاقه توده ها است ، بفرهنگ بهبود است و سایر نیازمندیهای آنان اهمیت بسزا بخشید . تمام این مسائل باید در دستور روز نیروهای انقلابی بخصوص مارکسیست ها - لنینیت ها قرار گیرد تا توده های مردم در پیابند که چه کسی مدافع واقعی منافع آنهاست . مارکسیست ها - لنینیت ها باید به توده های مردم باری دهند تا آنها از خلال همین چیزهای ساده و عطف مالی تری از قبیل جنگ انقلابی را درک کنند ، آن راهه جانیه سازند و بدعت سیاسی نیروهای انقلابی پاسخ مثبت دهند و تا پیروزی نهایی انقلاب از پا ننشینند .

بهبود بخشیدن بشرایط زندگی سیاسی و اقتصادی مردم در بسیاری موارد با مقامات بورژوازی ملی مواجه میکرد و از آنجا که بورژوازی ملی یکی از نیروهای جبهه متحد ملی رابطه امپریالیسم و اقلیت حاکمه داخلی تشکیل میدهد ، این اقدامات اصلاحی چه برادر چار برخی دشواریهای روزی میسازد . مقاومت بورژوازی ملی در برابر این اقدامات اصلاحی دارای دو علت اساسی است : اولاً بهبود شرایط زندگی توده های مردم به قیمت پاره ای محدودیت ها برای بورژوازی ملی تمام میشود و ثانیاً بورژوازی ملی از علایق این اصلاحات میهراسد و بنا بر شخصیت دو

کانه خود نمیخواهد توازن سیاسی را بنفع طبقات کارگر و دهقان برهم زده ببیند . درست همین دلیل در هیچیک از کشورهای - تیکه در آنها بورژوازی ملی بر سر کار آمده است یا از پاره ای اصلاحات نیم بند فراتر رفته است . دولتهای بورژوازی ملی در این کشورها فقط بتحکم موقعیت سرماییه داری پرداخته اند ، آرمانهای صدها هزار مردمی را که در راه پیروزی انقلاب ملی مجاهدت کرده اند بدست فراموشی سپرده اند ، دموکراسی اقتصادی که سهل است ، دموکراسی سیاسی را نیز با هزار بهانه محو کردند . در بسیاری از این کشورها احزاب کمونیستی که نماینده حریف ترین نیروهای انقلابی جامعه است با هراسان شد های متحد رضائشای سرکوب میشوند . این است که توده های مردم بتدریج از حمایت فعالانه حکومت ملی محروم میشوند .

حکومت بورژوازی ملی هم بتدریج منفرد میگردد و سر انجام راه بازگشت امپریالیسم و اعاده قدرت ارتجاع داخلی هو او میشود . سرنوشت نهضت ملی ایران در سالهای ملی شدن صنعت نفت نیز همین واقعیت این امر است . دولت ملی دگر صدق با پشتیبانی مردم بیکی از آرمانهای دینی مردم ایران یعنی ملی شدن صنعت نفت جامه عمل پوشانید . ولی این دولت برای بهبود شرایط زندگی مردم گامی برداشت . شخص دگر صدق با اصلاحات ارضی و هرگونه اقدام جدی دیگر در راه بهبود شرایط زندگی توده های مردم بدان جهت مخالفت میوزید که به عقیده او دست بردن باین اصلاحات جبهه خارجی را تضعیف میکند . او عقیده داشت که ملت ایران در دو جبهه میبکند . اگر ملت سر

کرم کشمکش در جبهه داخلی کرد ، گویا جبهه خارجی او تضعیف میگردد . غافل از اینکه قائل بودن این دوگانگی جبهه خیالی است که بر واقعیت تطبیق نمیکند . امپریالیسم و اقلیت حاکمه داخلی پیوندی ناگسستی با یکدیگر دارند . تضعیف امپریالیسم موقعیت ارتجاع داخلی را بخطر میاندازد و وارد ساختن ضربه های متحد بقدرت اقلیت و سرماییه داران وابسته در واقع ضربه زد با امپریالیسم و تضعیف موقعیت اوست . اگر دولت دگر صدق بود فی الحقیقه بقوریت بتقسیم اراضی ملاکین بزرگ میادرت ورزیده بود اولاً یکی از پایگاههای نفوذ امپریالیسم را درهم شکسته بود و ثانیاً میلیونها روستاییان کشور را پشتیبانی از دولت ملی تشویق میکرد . این وظیفه مردم انجام نکرده ، قدرت ارتجاع داخلی دست

نخورده ماند ، دهقانان تا پایان از احصنه مبارزه کنار میمانند و سر انجام آن جبهه ای که دگر صدق تنها با استحکام دیوارها خارجیت همت میکشد بتک امپریالیسم از داخل سرکوب گردید تجربه ایران طرف پانزده سال گذشته در یک سلسله از کشورهای آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین تکرار کردید و بورژوازی ملی بنسب برخصلت طبقاتی خود توانست از هیچکدام این تجربه ها عبرت بگیرد . سرنوشت کشورهاییکه در آنها بورژوازی ملی سرگردی مبارزات مردم را بعهده دارد ، در آینده نیز جز این نخواهد بود .

تنها نیرویی که میتواند در راه بهبود شرایط زندگی مردم گامهای جدی بردارد با اصلاحات ریشه ای دست زند ، طبقه کارگر و

سازمان سیاسی اوست . حزب طبقه کارگر بایتی در مقدم ترین صفوف مبارزه مردم در راه بهبود شرایط زندگی سیاسی و اقتصادی کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان کشور قرار گیرد در جهت نیازمندیها و آرزوهای توده های مردم عمل کند ، از تهدیدها و تحریکات اقلیت ناچیزی که عایق ترقی و تعالی جامعه است نهراید و مقاومت این اقلیت ناچیز را با عزم مخصوص بقوه درهم شکند . پشتیبانی جدی و اصولی حزب سیاسی طبقه کارگر از آرمانهای مردم بخصوص کارگران و دهقانان ، اولاً خطر شکست انقلاب را دفع میکند و ثانیاً سرگردگی حزب طبقه کارگر را در این انقلاب مسلحی سازد . زیرا هنگامیکه میلیونها دهقانان کشور طبقه کارگر و حزب سیاسی او را بشتابه جدی ترین ، بی کبوترین و قاطع ترین مدافع فق حقوق مادی خویش میباشند ، دیگر بگرد طبقه دیگر و سایر زمان سیاسی دیگری حلقه نخواهند زد . در این حالت بورژوازی ملی نیز ناگزیر خواهد بود که بسرگردگی طبقه کارگر تن در دهد

۲۲ تیر ۳۰ تیر بهمن ۱۳۰۱

مردم ایران دولتهای امپریالیستی و خصوصاً دولت امریکا را هرگز دوست خود و خلقهای دیکر جهان نمیداند و نمیشناسد . شینک ابراز نفرت که روز ورود هرین در تهران برپا شد و متأسفانه بخون کشیده شد بتصور اعلام این نظریه مردم ایران بوده مقامات دولتی ایران در مد آنکه با هرین نتوانستند تنویس خویش را در برابر کشتن روز افزون نهضت و روح زحمتکشان بخر سیاست ایران پنهان بدارند و خواستند امپریالیسم امریکا را با بین "خطر" توجه دهند تا بی بطور تومز کردن در نیروهای "افراد" طی "بانهای بیرون کردن شرکت نفت انگلیس از ایران کمک کند" دگر صدق بیخه پیش از آن ( در ۲۰ خرداد ) به تروسیون چنین پیام داده بود : "از آن حضرت انصاف میخواهم آیاملت بردبار ایران که با تحمل این شدائد و محرومیت های بی شمار تاکنون توانسته است در مقابل تاهیامات قوی انقلابی ایستادگی کرد و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیارد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست ؟ در همین زمینه در گزارش که شرکت ملی نفت ایران به هرین داد چنین میخوانیم : اگر ملی شدن نفت عملی نشود مردم ایران ناراضی خواهند شد " بالتتیجه دستجات افراطی چپ با حد اکثر استفاده از این ناراضیاتی کاملاً بر اوضاع ایران بشیر کشور ایران و کلیه کشورهای آزاد جهان مسلط خواهند کردید " بدیهی است که منظور از "کشورهای آزاد جهان" همان امریکا و جهان دست نشاندۀ اوست . تنظیم کنندگان گزارش میخواستند موافقت خود را با نماینده امپریالیسم امریکا در مخالفت با کمونیسم برخ وی یکشنبه و باین وسیله همکاری وی را در ملی کردن صنعت نفت ایران جلب کنند . در همین گزارش گفته میشود که اگر در امر ملی شدن نفت توفیق حاصل نشود "تمام مردم فقیر که پیش از تو" پنج درصد اهالی این کشور را تشکیل میدهند . . . دراز شدت بدبختی که هم اکنون بیقرار بل تحمل است بدامان کمونیسم پناه خواهند برد " . بدیهی است که هر نماینده امپریالیستی از چنین سخنانی بخوبی دریکی باید که مخاطب وی از مردم فقیر کشور خود " که بیش از تو و پنج درصد اهالی . . . را تشکیل میدهند " هراسناکتر است تا از امپریالیسم ، و بخوبی میفهمند که چنین مخاطبی را که در بسجج نام و تمام توده مردم فقیر شود است باسانی میتوان از پای در آورد . هرین ، این دلال کهنه کار امپریالیسم ، نیز همینطور فهمید و آنگاه امپریالیسم امریکا در موق خود بکلت امپریالیسم انگلستان به توطئه ۳۰ تیر بطریق دولت دگر صدق دست زد ، فقط فقط هشیاری و جانبازی مردم فقیر بود که توطئه را در آن روزها بر باد داد و دولت صدق را در دیاره برکسی نشانید اما نتیجه مد آنکه با هرین چه بود ؟ آن بود که دولت ایران بشهر اینک بتواند همکاری امپریالیسم امریکا را جلب کند بخری عصب نشینی ها تن در داد . یعنی حاضر شد بجای نمایندگان شرکت نفت رسبانا نمایندگان دولت انگلستان وارد مد آنکه شوه قانون نه ماده ای " اجرای ملی کردن صنعت نفت " مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ رسکوت بگذارد و فقط قانون یک ماده ای اسفند ۱۳۳۹ مبنای مذاکرات قرار دهد " و موافقت کرد که هرین با دولت انگلستان " راجع بطریق اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود " . این عقب نشینی بوی در آنجا که صریحاً " منافع انگلیس " برسمیت شناخته میتد آنقدر نمایان بود که یکی از اعضا دولت در موق اعضا تصویب نامه در

## سوداگران هرات

" پیش از آنکه شاه عازم سفر امریکا شود اعلام شد که ایران مبلغ ۳ میلیارد فرانک از امریکا اسلحه جدید خواهد خرید . اخیراً تهران مبلغ ۵۰۰ میلیون فرانک از اتحاد شوروی اسلحه خرید و مشتعل است که بزودی معامله دیگری ببلج یک میلیارد فرانک با اتحاد شوروی انجام دهد "

روزنامه لوموند - ۵ دوشن ۱۹۶۸

دربار بکارگران و دانشجویان فرانسه بقیه از ص ۱

### صفوف سازمان را گسترش دهیم

« نباید از ترس اینکه مبارزات دهن به حزب و نه گند در آن ایان را به دست رهنه میدادیم اینست که باید صفوف حزب را جورانه گسترش داد. مژده در حالی که صفوف حزب را جورانه گسترش میدهیم نباید از اعمال دشمن و طراران سیاسی غافل گردیم و بیکاریم که آنها با استفاده از غفلت ما در صفوف حزب رخنه کنند. اگر فقط در فکر یک جانب کارباشیم و جانب دیگر را از دیده فروگذاریم دچار اشتباه گفته ایم. یگانگی سیاست صحیح چنین است:

صفوف حزب خون را جورانه بگستریم • ولی بی هیچ عنصر زینکاری مجال ورود ندهیم • »

ماژو تصدوین

- ۲۳ تیر ۳۰ تیر بقیه از ص ۲
- زیر آن نوشتند: « بنده با کله منافع موافق نیستم »
- بسط حوادث در همان جهت صورت گرفت که تظاهر کنندگان ۳۳ تیر یعنی میگرددند.
- پدیراشی از نماینده امپریالیسم امریکایی بزبان مصالح نهضت ضد امپریالیستی خلق ایران بود.
- در سپاسی حده حوادث ۲۳ تیر ۲۸ ۱۳۳۰ - ۲۰ تیر ۱۳۳۱ را میتوان اینطور خلاصه کرد:
- ۱ - در مبارزه با امپریالیسم باید روش قاطع داشت. همه امپریالیستهای علی رغم تضاد های کوناگون بین خود در برابر خلقهای جهان جبهه واحدی تشکیل میدهند. امپریالیسم امریکا محرکه امپریالیستها، زانده ارم خلقها و بزرگترین دشمن آنهاست.
- ۲ - فقط از راه بسیج کلیه نیروهای ملی ضد امپریالیستی، فقط با اتحاد بر نیروی لایزال خلق و تکیه بر آن و با اتخاذ سیاست انقلابی قاطع و بی تزلزل میتوان بر امپریالیسم و هیئت فرمانروای دست نشانده اش غالب آمد. هرگونه محدودیتی که بجهت های کوناگون در بسیج نیروهای ملی ضد امپریالیستی ایجاد شود، هرگونه ماساژات پانزیروهای ارتجاعی داخلی که به منزله حال امپریالیسم عمل میکنند در جهت تقویت امپریالیسم و شکست نهضت ملی ضد امپریالیستی خواهد بود.
- ۳ - اگرچه کلیه طبقات ملی و دموکراتیک و از آن جمله بورژوازی ملی میتوانند و باید در مبارزه ملی ضد امپریالیستی شرکت جویند ولی مبارزه مذکور فقط آنگاه پیروزی خواهد رسید که حزب طبقه کارگر یعنی یگانگی طبقه ای که تا آخر انقلابی است بتواند رهبری را با اتخاذ سیاستی صحیح در دست گیرد.

#### اعلامیه کمیونستهای انقلابی شوروی

این اعلامیه که از طرف کمیونستهای انقلابی پس پسلسویک شوروی بطور محفی انتشار یافته و از اسناد مهم جنبه کمونیستی جهانی است از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی تسوفسان ترجمه و طبع شده است.

مساخوانندگان خود را به مطالعه این سند پرارزش دعوت میکنم.

- بها: معادل چهل ریال
- نشریات دیکرتوفان:
- ۱ - سیک نهی در تفکرو عمل
  - ۲ - آموزش خود را از تو بسازیم
  - ۳ - اصول مده مانی فلسفه
- بهای هر یک معادل چهل ریال است.
- نشریات فوق را از روزنامه توفان بخواهید

عنوان مکاتبات

X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D' ADDA/ITALY  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

حساب بانکی

در حال تفرقه و پراکندگی باقی ماند. در جریان این مبارزه سیاسی ضد انقلابی و ریزینوسیم بقیش اتفاق افتاد که آن بسود بورژوازی پیش ازین آشکار گردید و بر اثر تفرات رادیوی یک ایران فعالیت رهبران ریزینوسیم در جریان این اعتصاب عظیم حتی مورد تحسین روزنامه ها و صحافت دست راستی واقع شد.

ریزینوسیمتها نه تنها از وحدت نیروهای انقلابی جلو گرفتند بلکه مبارزه طبقه کارگر را هم در چهارچوب مطالبات صرفا اقتصادی نگاهداشتند. درست در موقعیکه تمام طبقه کارگر، تمام دانشجویان و بخش مهمی از دهقانان و دیکرتشرهای اجتماعی دست به اعتصاب زده بودند و چنین اعتصاب عظیمی که قریب دهملیون نفر را در بر میگرفت و دارای قدرت نبرد استثنائی بود، رهبری ریزینوسیم اتحادیه های کارگری همراه اعلام داشت که از حد و مطالبات اقتصادی گامی فراتر نخواهد گذاشت و بدین پیوسته است هیچ مبارزاتی نیست که با اهمیت مطالبات اقتصادی طبقه کارگر و دیکر زحمتکشان واقف نباشد و از مبارزه در راه چنین مطالباتی سباززند. ولی در شرایطی استثنائی که سراسر کشور غرق در مبارزات سیاسی و نبرد خیابانی است و همه خواستار تحول سیستم اقتصادی و اجتماعی موجودند، محدود کردن جنبش عظیم اجتماعی کارگران با مطالبات صرفا اقتصادی جز خیانت طبقه کارگر نام دیگری نمیتواند داشته باشد. ریزینوسیم قادر بود این نکته نیست که کارگران میخواهند انسان باشند، نه بردگانی که با آنها فقط مزه بیشتری داده شود.

جنبش انقلابی اخیر فرانسه باریک نشان داد که بدون شرکت رهبری طبقه کارگر هیچ جنبش انقلابی نخواهد توانست برانجام برسد. فقط طبقه کارگر با ایدئولوژی ملی خود، با انضباط و قابلیت سازمان گیری خود، با هفتاد قاطعی که در فعالیت تولیدی و اقتصادی بازی میکند میتواند تحول قطعی سیستم اقتصادی و اجتماعی را بر عهده گیرد و جامعه نوین را سازمان دهد.

در جنبش انقلابی اخیر حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه نقش دشوار و افتخار آمیزی بر عهده داشت: جای گرفتن در صفوف مقدم مبارزان، افشا سیاست اپورتونیستی و سانس ضد انقلابی ریزینوسیمتها، طرح شعارهای سیاسی و سازمانی صحیح، بر اثر انجام این وظائف حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه حیثیت و اعتباری تازه یافت و نیروهای انقلابی جدیدی به صفوف آن پیوست. بدون تردید آینده رهبری نهضت انقلابی خلق فرانسه در دست این حزب مارکسیستی - لنینیستی است.

جالب توجه است که مارکسیست - لنینیستهای فرانسه از ماهها قبل وقوع جنبشهای بزرگ توده های رادیکال کشورهای اسکاندینا و انگلیس عطف اجتماعی پیش بینی میکردند و از این جهت تشکیل حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) را وظیفه خود میشمرند و این وظیفه را در دو سه سال گذشته با انجام رسانیدند. اینک ظهور جنبش اخیر توده های ملت فرانسه صحت پیش بینی آنها را با اثبات رسانید. این نیز برای انقلابیون ایران درس گرانبهائی است.

میهن ما علی رغم آزارش ظاهری که با سرنیزه های محمد رضا شاه تحمیل شده استسن حوادث بزرگی است. اگر رادیکال موقع حزب نیرومند طبقه کارگر ایران وجود نداشته باشد رهبری توده های پیروزی شایسته ممکن خواهد بود. از این جهت کوشش بیکر برای احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران وظیفه نوری و میرم کلیه نیروهای مارکسیست - لنینیستی کشور ما است.

در معرض خطر قرار گیرد برای آنکه نیروهای محافظ نظم بورژوازی بیرحمانه فریاد انسانها را با خاطر آزادی و ترقی در سینه خفه کنند؛ بار دیگر ثابت شد که دستگاه سرکوب دولت بورژوازی برای حفظ منافع وی آماده است و بار دیگر نشان داده شد که این دستگاه عظیمی که بورژوازی فراهم آورده و آن را برای سرکوب طبقات انقلابی و پیشرو پرورش میدهد امکان نخواهد داد که آقا بان ریزینوسیمتها با دست آوردن اکثریت کرسیهای پارلمان بورژوازی، از راه مسالمت آمیز، سوسیالیسم را بجای سرمایه داری بنشانند.

دانشجویان در خیابانهای پاریس قهرمانانه به نبرد پرداختند، قهرنیروهای پلیس و ژاندارمری را با قهریاسخ گفتند و سنس در بین خلق فرانسه رادیکالیزم را به دشمن طبقاتی زنده کردند؛ ارتجاع فرانسه جنبش عظیم دانشجویان را نتیجه تحریک گروهی کوچک "اقلیتی پیروگاتویر" شمرده که گویا در نبرد های خیابانی آزوب ماند. ارتجاع فرانسه با این اتهام میخواست جنبش را تخطئه کند، هدف آنرا وارونه جلوه دهد و برای سرکوب جنبش این جنبش بهانه قانونی بدست آورد. در اینجا حزب ریزینوسیم فرانسه و کنگره عمومی کارگر رهبری آن در دست ریزینوسیمها است، بیک ارتجاع شتافتند. اتهامات ارتجاع فرانسه را به جنبش دانشجویان تکرار کردند. معلوم نیست "گروهی کوچک" بایک "اقلیت" هر اندازه هم پیروگاتویر باشد چگونه میتواند ده ها هزار دانشجویان را بطول چند هفته بد نیال خویش بکشد آن هم در نبردی خونین علیه نیروهای انتظامی که به صورت خالی از ملاحظه نیست. ریزینوسیمتها بازم این اتهام ضحک و آفرین بود که جنبش دانشجویان فرانسه گویا شمره فعالیت "چند تن هواداران چین" است برای آنکه مذکورات میان دولت دموکراتیک ویتنام و امریکارا که در پاریس جریان دارد بر هم زنند. ریزینوسیمتها شوروی نیز قبال همین اتهامات را بدادند. دانشجویان قهرمان پاریس وارد کرده بودند نبدین ترتیب ریزینوسیمتها با حکمت و دلگرا در سرکوب و خشنانه تظاهرات دانشجویان بحق دانستند. ریزینوسیمتها با این هواداران پر بیافرض تا کنیک مسالمت آمیز به پیچیده تاب دیدن این امر را ندادند که توده ها حتی برای دفاع از خویش، بر روی حکومتهای ارتجاعی که آنها را بزنجیر کشیده اند دست بلند کنند. بعضی آنکه در جایی مردم از خود و مبارزه مسالمت آمیز با فراتر گذارند، بلافاصله مورد بی مهری احزاب ریزینوسیمت قرار میگرددند. باران اتهامات بر سر آنها میبارد و سرکوب آنها از جانب حکومتهای ارتجاعی تشویق میشود. ریزینوسیمتها در هفت خونین مردار ۱۳۴۲ نسبت به ناه و قوای انتظامی او که هزاران نفر را کشتند و بحدود نیمی از موضع را اتخان نمودند و اکنون نیز نسبت به حکومت دول و وحشیگری نیروهای انتظامی وی همین شیوه را در پیش گرفتند. ریزینوسیمت در سرکوب نیروهای توده ای انقلابی همکار و همدست ارتجاع و بورژوازی امپریالیستی است.

فعالیت ضد انقلابی ریزینوسیمتها فرانسه بهین جا خاتمه نمید یزد. بدون شك جنبش عظیمی که در جریان ماه مه سراسر فرانسه را تکان داد علیه سیستم اقتصادی و اجتماعی بورژوازی فرانسه شوجه و هدف آن تغییر و تحول عمیق این سیستم بود. برای چنین تحولی لازم است اتحادی انقلابی از کارگران، دهقانان، دانشجویان و روشنفکران شرقی بوجود آید و مبارزه انقلابی پر دازد. تنها با چنین اتحاد و با چنین شیوه مبارزاتی میتوان دولت بورژوازی ارتجاعی را سرنگون ساخت. اما ریزینوسیمتها فرانسه که رهبری بزرگترین اتحادیه های کارگری فرانسه را در دست دارند از چنین اتحادی جلو گرفتند. دانشجویان فرانسه در جریان مبارزه با رهاگوشیدند که با کارگران اعتصابی نام برقرار کنند و آنان تظاهرات مشترک دست زنند، ولی هر بار با اشتغال خشن رهبران ریزینوسیمت مواجه گردیدند نتیجه این شد که جنبش دانشجویی از طبقه کارگر جدا ماند و کارگران اعتصابی نیز در درون کارخانه ها محصور ماندند و از جد و دشمنان کارخانه فرا تر نرفتند. وحدت با روشنفکران و کارگران، چیزیکه همیشه خواست کلیه مارکسیست - لنینیست ها بوده و اکنون نیز هیئت سرگرفت و جنبش انقلابی، بسود حکومت بورژوازی انحصاری فرا

## پیروز باد جنک توده های خلق قهرمان ویتنام

### کنفدراسیون دانشجویان را تقویت کنیم

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران در شرایط کنونی تنها سازمان توده ای علنی است که در جهت منافع مردم ایران مبارزه میکند. کنفدراسیون نه تنها مدافع منافع صنفی قشر دانشجو است، بلکه از منافع میهنی آنان و از منافع خلق ایران در مقابل دشمنان داخلی و خارجی اش دفاع کرده با قبول شعار های عام نهضت ملی و دموکراتیک در مواضع مبارزه قرار دارد.

کنفدراسیون تنها سازمان صنفی است که میتواند با تشکل ساختن توده های وسیع دانشجو و دادن آگاهی صنفی و سیاسی بآنان کمک برای انقلاب ایران ورشد آن باشد. ضعف و احیاناً نابودی آن بزبان نهضت و پیغمبر دشمنان آن است. از این رو است که ما برآنیم باید کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان را با نیروی هرچه زیادتر تقویت کرد. یکی از اولین کارها در این جهت (و در جهت تقویت هر سازمان توده ای) وسیع ساختن پایه ها، نفوذ آنگاه و تشویق و ترغیب توده ها به شرکت در آن است. ضرورت این امر از آنجا ناشی میشود که:

۱- کنفدراسیون سازمان قشر دانشجو است و بدینسان جهت هر دانشجو برای مبارزه در راه تأمین حقوق صنفی خود میتواند و باید در آن شرکت کند.

۲- از آنجا که مبارزه در راه احقاق حقوق صنفی ناچاراً مبارزه سیاسی بر علیه رژیم گشوده میشود و از آنجا که چه منافع صنفی و چه منافع زندگی آینده دانشجو در چهارچوب سیستم موجود سخت مورد خطر است، چاره ای برای دانشجو نمیماند مگر مبارزه بر علیه سیستم کنونی وابسته با امپریالیسم.

۳- از مطالب بالا نتیجه گرفته میشود که کنفدراسیون تنها سازمانی است که قشر دانشجو بخاطر دفاع از منافع صنفی و میهنی خود میتواند در آن تشکل گشته، آگاهی نسبت بمسائل اجتماعی وسیعتری خود پیدا کند. خارج از این چهارچوب هیچ دانشجو کسی قادر نخواهد بود که مبارزه صنفی ببرد.

در کنفدراسیون دوستی هستند که متأسفانه - و اگرچه باینیت نیک - سر آنند که کنفدراسیون باید محل تشکل آگاه ترین و فعالترین افراد دانشجو باشد. در رژیم این صورت سطح کیفی غنی کنفدراسیون تنزل خواهد کرد. این دوستان فراموش میکنند که سازمان توده ای سازمانی است که هرچه بیشتر از توده هارا در بر بگیرد. سازمان توده ای سازمان حزبی نیست که فقط شامل پیش آهنگ طیف باشد.

منحصراً ساختن کنفدراسیون بعد از قلیلی که دارای آگاهی اجتنافاً سیاسی زیادی هستند با همیاری و یکپارچگی بیش از اندازه پس کیفیت و کم بها دادن مسئله کیفیت در کنفدراسیون یعنی بیرو راندن توده های عظیمی از قشر دانشجو از صحنه مبارزات صنفی و سیاسی، بمعنی عمیق تر کردن فاصله میان قشرهای عقب مانده و پیش افتاده دانشجو و جدا ماندن آن توده ها و بمعنی تضعیف کنفدراسیون و جنبش دانشجو میهن ماست. شک نیست که در میان هر طبقه و قشری گروه های پیش افتاده و عقب مانده وجود دارد. اما اشتباه بزرگی است اگر با تکیه بیش از حد بر روی مسئله کیفیت این شکاف را عمیق تر کرده، توده های وسیعی را از میدان مبارزه برکنار سازیم. عقب ماندگی آگاه های سیاسی و کمبود شور و هیجان در یک طبقه و یا تفرقه معلول جوامع طبقاتی وجهلی است که این جوامع بر توده های مردم ویر تمام جامعه تحمیل کرده و میکنند. وظیفه کنفدراسیون باید درست در جهت عکس این تحمیل و در جهت میدان مبارزه کشاندن و

آگاه ساختن توده های کمبخت دانشجو باشد و این امر در چهارچوب تشکیلات کنفدراسیون میسر است. وظیفه تمام اعضا کنفدراسیون است که دانشجویان تازه وارد و دانشجویانی را که هنوز بکفدراسیون نیویسته اند تشویق بفرود در کنفدراسیون بنمایند و باین توده های وسیعی که هنوز خارج از کنفدراسیون هستند بپیوندند و بآنها نشان دهند که تنها مرکز تجمع دانشجو کنفدراسیون است. وظیفه تمام اعضا کنفدراسیون است که در سازمانهای دانشجو تکیه کار خود را در ساختن و پرورش دادن نیروهای جوان کنفدراسیون که در مبارزه ناآگاه و نا آشنا هستند، بنهند.

## ایران مظهر استعمار جمعی

### و نمایشگاه همسکاری ویزیتو نیسیسم و امپریالیسم

میلیون دلار بطور مستقیم در ایران از طرف انحصارهای امپریالیستی سرمایه گذاری شد. در فروردین ۱۳۴۵ در ایران ۲ میلیارد سرمایه خارجی وجود داشت در بدین ۱۳۴۵ در ایران فقط در رشته های صنعتی، معدنی و کشاورزی ۷۰ شرکت خارجی فعالیت داشتند که جمع سرمایه شان بر ۱۰۰ میلیون دلار بالغ میشد. روزنامه فرانسوی لوموند در مرداد ۱۳۴۵ (۲۸ ژوئیه ۱۹۶۶) نوشت: "در حالیکه تهران روزی زیاده تر بمسوی شرق میچرخد ارزش سرمایه گذاریهای غریبانه آهنگ سرمایه ای افزایش مییابد. در طی ۱۲ ماه گذشته ۲ میلیارد فرانک بوسیله گمانی های بزرگ... سرمایه گذاری شده است."

وضع بازرگانی خارجی ایران نیز نماینده همین تازنگری گروهی امپریالیستی است. اگر در سال ۱۳۳۲ ۱۱ یکسال پس از کودتای امپریالیستی واردات ایران کمتر از ۲ برابر صادرات بود در سال ۱۳۴۵ به برابر آن بالغ شد و اینک ۶ برابر آن است و اگر واردات معاد از کمرگ را که سالیانه بیش از ۱۰ میلیارد ریال است بر آن بیفزاییم از این حد نیز تجاوز خواهد کرد. در سالهای اخیر واردات امریکای ایران با اندازه ۱۰ الی ۱۰۰ برابر ایران با امریکای بوده است و این نسبت عراس رو افزایش است. اگر امریکاد رسال ۱۳۴۰ ۸۲۶۴ میلیون ریال کالا با ایران وارد میکرد در سال ۱۳۴۵ ۱۴۵۰۰ میلیون ریال وارد کرده است و این مبلغ بیش از مجموع صادرات ایران در سال ۱۳۴۶ میباشد.

ایران فقط در عرض دو سال اخیر ۷۵۸ میلیون دلار از امریکایلیستها اسلحه خرید و بیا هم اکنون مشغول خریدن است. اگر در نظر آوریم که تمام درآمد پیش بینی شده سازمان برنامه در سال ۱۳۴۷ ۱۱۱ میلیون دلار بیشتر نیست آنگاه بجهت توجیه میفریم که امپریالیست ها از بلوغی که پس از نخستین غارت ها در دست دولت ایران باقی میانجده تاراجی میکنند.

اینهاست چند شاخص عده اقتصاد ایران. شکار این شاخص ها جوایزی بولمان رژیم کودتا و ویزیتو نیسیسمی ساز است. این شاخص ها نشان میدهد که مواضع امپریالیستهای در اقتصاد ایران سال بسال محکم تر و کثرت تر میشوند و رژیم محمد رضاشاه وظیفه بزرگ جز تسهیل این امر برای خود نمی شناسد. همانطور که در طرح "وظائف بزم و فوری مارکسیستها" لنینیستهای ایران گفته شده است: "ایران یکی از بهترین نمونه های استعمار جمعی است و بارترین مظاهر سیاست استعماری در آن چشم میخورد". در سالهای اخیر ویزیتو نیسیسمی شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی بجمع امپریالیستهای پیوسته و صحنه خود بر این خوان بیضا نشسته اند. مدح و ستای غلیظی که آنها بید رویی در پای محمد رضاشاه میریزند نشانه آن است که بوقع خود در دفاع علی از رژیم وی در کار امریکایلیستهای امریکائی خواهند بود. عرصه میهن ما امروز یکی از نمایشگاههای همگاری ویزیتو نیسیسم شوروی و امپریالیسم امریکاست. "از این جهت - همانطور که در طرح "وظائف بزم و فوری مارکسیستها" لنینیستها آمده است - مبارزه با ویزیتو نیسیسم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست و این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند."

رویزیتو نیسیسمی ایران در شماره اخیر روزنامه خود بار بزرگم را در آرایش رژیم محمد رضاشاه و بند و بست های ویزیتو نیسیسمی شوروی بزرگ تر انداخته و نوشته اند: "بهبود روابط ایران و شوروی موجب تضعیف مواضع امپریالیسم در ایران شرقی کشور است" و "میدان عمل مستقل رژیم" را در برابر امپریالیستها بسط داده است.

عبارتین ادعای ویزیتو نیسیسمی چیست؟ آیا در سالهای اخیر مواضع امپریالیسم در ایران ضعیف شده است؟ به کوتاه سخن میتوان پاسخ گفت که هیچگاه مواضع کنیدی اقتصاد ایران تا این درجه در قیضه قدرت امپریالیستها قرار نداشت است و هیچگاه چنین تعداد کثیری از انحصارها و دولتهای امپریالیستی در نظر میهن ما شرکت نجسته بوده اند.

ما در اینجا برخی از رشته های عمده اقتصاد ایران را در رابطه با امپریالیستها از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم: میگویند در دیار یزد گرد ساسانی قالی زربفت کوهر نشانی بود که با تخیل مهاجمان از هم درینده شد و هر جنبش بدست یکی بفشارت رفت. اینک سرزمین نفت خیز ایران بصورت قالی بهارستان درآمده که هر قطعه اش بیچنگال غارت کر یکی از امپریالیستها افتاده است. خلاصه برقرارداد اخذاتانه با کنسرسیوم که یکسال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با رضای دولت ایران رسید و امپریالیستهای انگلیسی، امریکائی، فرانسوی، هلندی را بر صنعت نفت ما مسلط ساخت دولت ایران در شهریور ۱۳۳۲ قرارداد ای با گمانی ایتالیائی آجیب میفرمایند.

از بیست و یک ۱۳۳۲ با گمانی پان آمریکائی منعقد کرد. سپس با همین امپریالیستها و با امپریالیستهای تازه وارد قرارداد های متعدد دیگری بست: در دیار ۳۴۰ با گمانیهای نخی هلندی و امریکائی، در فروردین ۱۳۴۴ با گروه نفتی مرکب از سیزده شرکت که ۱۱ تنای آنها امریکائی بودند و ذک آن جنوب ایران را این طور بین خود تقسیم کردند: شرکت نفتی فلات قاره ایران (ایروکو)، شرکت نفت بین المللی دریائی ایران (ایمیونکو)، شرکت نفت لاوان (لاکو)، شرکت نفت فارس (فارس - سی)، شرکت نفت خلیج (پاکو)، شرکت دشتستان (دیو)، در شهریور ۱۳۴۴ بخشی دیگر از خان ایران را (بین بوشهر و بندر عباس - اطراف کرمان و - اطراف کاشان و اصفهان - اطراف کویلو) با امپریالیستهای فرانسوی هدیه کردند. در موقع مسافرت اخیر نخست وزیر فرانسه با ایران طرحی ریختند که کنسرسیومی از گمانیهای متعلق "نفتی اروپا" ۳۲٪ فرانسوی ۲۸٪ ایتالیائی ۲۰٪ اسپانیولی ۱۰٪ بلژیکی ۱۰٪ اطریشی بجزگه غارتگران نفت ایران افزوده شود. ساختمان یا لایسگانفت تهران را هم بگروه گمانیهای آلمانی و امریکائی دادند.

در سایر رشته های اقتصاد هم سرمایه های امپریالیستهای بعارت گروهی مشغولند. صرف نظر از "قانون حمایت سرمایه های خارجی" که از شرای خیانتهای رژیم کودتا است در ۲۶ آبان ۱۳۴۴ قرارداد "تضمین سرمایه گذاری آلمان در ایران" با امضا رسید که تخمین آن در چند سال قبل با امپریالیسم امریکائی با امضا رسیده بود. در عرض سالهای ۱۳۴۰-۱۳۴۵-۱۳۴۶ در حدود ۲۰ الی ۳۰

"روی سخن با همه مارکسیستها - لنینیستهای ایران است."

#### رفقا

آنگونه که رهبری حزب توده ایران در نقش طرفی بخش مارکسیسم - لنینیسم را بزمین افکنده است آن را سر بلند تر بر فرازیم و وحدت کلیه نیروهای مارکسیستی - لنینیستی را بمنظور احیای حزب طبقه کارگر ایران وجه مهم خود سازیم. جنبش انقلابی مسلح دهقانان را که نیروی عمده انقلاب اند و جنبه وسیع کلیه طبقات و قشرها و شخصیتها و دموکراتیک ایران را تحت رهبری طبقه کارگر پیگیرانه و بصورت انفرادی بزمینم. قهر ندا انقلابی رژیم محمد رضاشاه و حامیان امپریالیست و ویزیتو نیسیسمی او را با قهر انقلابی درهم شکنیم. "مستخرج از طرح" وظائف بزم و فوری مارکسیستهای لنینیستهای ایران" این طرح که بیستم شماره ۴ توقان منتشر شده در دفتر روزنامه موجود است. آن را برای مطالعه و اظهار نظر و توزیع از توقان بخواهید.